

« مناجات شعبانیه »

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّاسْمَعْ دُعَائِيْ اِذَا دَعَوْتُكَ وَّاسْمَعْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعایم را هنگامی که تو را خوانم و بشنو

نِدَائِيْ اِذَا نَادَيْتُكَ وَّاقْبَلْ عَلَيَّ اِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ اِلَيْكَ وَّوَقَفْتُ

صدایم را هر گاه تو را صدا زدم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا من به سوی تو گریختم و پیش رویت

بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا اِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ تَوَابِي

ایستادم در حال بیچارگی و فروتنی به درگاهت و امیدوارم توایم را که در پیش تو است

وَتَعَلَّمُ مَا فِي نَفْسِي وَّتَخْبِرُ حَاجَتِي وَّتَعْرِفُ صَمِيرِي وَّلَا يَخْفَى

و تو آنچه را من در دل دارم می دانی و حاجتم را آگاهی و از نهادم باخبری

عَلَيْكَ اَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَّمَتَوَايَ وَّمَا اُرِيْدُ اَنْ اُبْدِيَّ بِهٖ مِنْ مَنطِقِي وَاَتَعَوُّهُ

و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است و نیز آنچه را می خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طلبی

بِهٖ مِنْ طَلِبَتِي وَاَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي وَقَدْ حَرَتُ مَقَادِيْرَكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي

را که می خواهم به زبان آرم و امید آن را برای سرانجام کارم دارم ، ای آقای من مقدرات

فِيْمَا يَكُوْنُ مِنِّي اِلَى اٰخِرِ عُمْرِيْ مِنْ سَرِيْرَتِي وِعَلَانِيَّتِي وِيَدِكَ لَا

تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا آخر عمر سر زند چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست تو است نه

بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَّنَقْصِي وَّنَفْعِي وَّصَرِّي اِلٰهِي اِنْحَرَمْتَنِي فَمَنْ

به دست دیگری کم و زیاد شدن و سود و زیان من خدایا اگر توام محروم کنی پس کیست

ذَآلَّذِيْ يَرْزُقُنِيْ وَاِنْ خَدَلْتَنِيْ فَمَنْ ذَآلَّذِيْ يَنْصُرُنِيْ اِلٰهِي اَعُوْذُ

که روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی پس کیست که یاریم دهد خدایا پناه برم

بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَّحُلُوْلِ سَخَطِكَ اِلٰهِي اِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَاْهِلٍ

به تو از خشمت و فرو ریختن عذابت خدایا اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم

لِرَحْمَتِكَ فَاَنْتَ اَهْلٌ اَنْ تَجُوْدَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سِعَتِكَ اِلٰهِي كَاَنْتَ

ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی خدایا خود را چنان

بِنَفْسِي وَاِقِفْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ اَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِيْ عَلَيْكَ فَقُلْتَ مَا

می نگرم که گویا در برابرت ایستاده و آن توکل نیکویی که بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آنچه را

أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلَهِي إِنَّ عَفْوَتَ قَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ

شایسته آنی درباره من فرموده و مرا در سراپرده عفو خویش پوشانده ای خدایا اگر بگذری پس کیست

بِذَلِكَ وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدِينِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ

که از تو بدین کار سزاوارتر باشد و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده من به ناچار قرار می دهم

الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيَلْتَنِي إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي

اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت خدایا من بر خویشتم ستم کردم در

النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بِرُكِّ عَالِيَّ أَيَّامَ

آن توجهی که بدان کردم پس وای بر او اگر نیامرزیش خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکوی تو

حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرُكِّ عَنِّي فِي مَمَاتِي إِلَهِي كَيْفَ آيَسٌ مِنْ حُسْنِ

بر من می رسد پس نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر خدایا من چگونه مایوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد حسن

نَظْرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي إِلَهِي

نظر تو واقع کردم در صورتی که در دوران زندگی جز به نیکوی سرپرستیم نکردی خدایا

تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَعَدَّ عَلَيَّ بِغَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ

سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو شایسته آنی و توجه کن بر من به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم

جَهَنَّهُ إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا

که نادانیش سراپا او را فراگرفته خدایا براستی تو گناهای را در دنیا بر من پوشاندی که من به پوشاندن آنها

عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ إِذْ لَمْ تُطَهِّرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

در آخرت محتاج ترم (در دنیا پوشاندی) با اینکه آشکارش نکردی برای هیچیک از بندگان شایسته ات

فَلَا تَغْضَبْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَيَّ رُؤُسِ الْأَشْهَادِ إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ

ای خدا پس در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن خدایا جود و بخشش

أَمَلِي وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي إِلَهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضَى

آرزویم را گستاخ کرده و گذشت تو برتر است از عمل من خدایا مرا در آن روزی

فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلَهِي اعْتِذَارِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ

که میان بندگان داوری کنی به دیدارت مسرور ساز خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که بی نیاز

قَبُولِ عُدْرِهِ قَاقِبَلِ عُدْرِي يَا اَكْرَمَ مَنْ اَعْتَدَرَ اِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ اِلَهِي

نشده از پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر ای بزرگواریترین کسی که گنهکاران به درگاهش معذرت خواهی کنند خدایا

لَا تُرُدِّ حَاجَتِي وَلَا تُخَيِّبُ طَمَعِي وَلَا تَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي وَآمَلِي

حاجتم را بازگردان و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاهت قطع مفرما

اِلَهِي لَوْ اَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي وَلَوْ اَرَدْتَ قَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی راهنمائی نمی کردی و اگر رسوائیم را می خواستی تندرستیم نمی دادی

اِلَهِي مَا اَطْنُكَ تَرُدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ اَقْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ

خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم

اِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ اَبَدًا اَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا يَرِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ

خدایا ستایش خاص تو است ستایش ابدی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست داری

وَتَرْضَى اِلَهِي اِنْ اَخَذْتَنِي بِجُرْمِي اَخَذْتَنِكَ بِعَفْوِكَ وَاِنْ اَخَذْتَنِي

و خوشنود شوی خدایا اگر مرا به جنایتم مآخوذ داری من هم تو را به عفو بگیرم و اگر به گناهم

يَذُنُّوبِي اَخَذْتَنِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اَنِّي

بگیری من هم تو را به آمرزشت بگیرم و اگر به دوزخم ببری بدوزخیان اعلام می کنم که من

اُحِبُّكَ اِلَهِي اِنْ كَانَ صَغُرَ فِي حَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي

تو را دوست دارم خدایا اگر عمل من در جنب اطاعت تو کوچک است ولی آرزویم در

حَنْبِ رَجَائِكَ اَمَلِي اِلَهِي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيَبَةِ مَحْرُومًا

کنار امید تو بزرگ است خدایا چگونه من از پیش تو محروم برگردم

وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا اِلَهِي

با اینکه چنان حسن ظنی من به جود و بخشش داشت که مرا مورد رحمت خویش قرار داده با نجات بازم خواهی گرداند خدایا

وَقَدْ اَقْنَيْتُ عُمْرِي فِي شِرَّةِ السُّهُوِّ عَنْكَ وَاَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةٍ

من عمرم را در حرص غفلت از تو سپری کردم و جوانیم را در مستی دوری از تو

التَّبَاعِدِ مِنْكَ اِلَهِي فَلَمْ اَسْتَقِطْ اَيَّامَ اَعْتِرَارِي بِكَ وَرَكُونِي اِلَى

از بین بردم و از اینرو خدایا بیدار نشدم در آن روزگاری که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم

سَبِيلَ سَخَطِكَ إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ

تو متمایل گشته بودم خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام که در برابرت ایستاده و

مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَّصَلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ

به وسیله کرم تو به درگاهت توسل جویم خدایا من بنده ای هستم که می خواهم از آلودگی آنچه بدان
با

أُوجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظْرِكَ وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذْ

تو روبرو شدم از بی حیایی خودم در پیش روی تو خود را پاک سازم و از تو گذشت می خواهم زیرا

الْعَفْوَ نَعْتُ لِكَرَمِكَ إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَن مَعْصِيَتِكَ

گذشت وصف شناسای کرم تو است خدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسیله آن خود را از نافرمانیت
منتقل سازم ندارم

إِلَّا فِي وَفْتِ أَيْعِظْتَنِي لِمَحَبَّتِكَ وَكَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ

مگر در آن وقت که تو برای دوستیت بیدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که
مرا

يَادْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَلِتَطْهِّرَ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْعَفْلَةِ عَنكَ إِلَهِي

در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکیهای بی خبری و غفلت از خویش پاکیزه ساختی خدایا

أُنْظُرُ إِلَيْكَ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَأَسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ يَا

به من بنگر نگریستن کسی که او را خوانده ای و او پاسخ داد و به یاری خویش به کارش واداشته
ای و فرمانبریت کرده

قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ وَيَا جَوَادًا لَا يَبْخَلُ عَمَّنْ رَحَا تَوَابَهُ

ای نزدیکی که دور نگردي از آن کس که بدو مغرور گشته و ای بخشنده ای که بخل نورزد از آنکس که
امید نیکیش دارد

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْفُهُ وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ

خدایا دلی به من بده که اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی که صدق گفتارش

وَنَظْرًا يُفَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ إِلَهِي إِنْ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرَ مَجْهُولٍ وَمَنْ

بسوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند خدایا کسی که
بوسیله تو شناخته شد گمنام نیست

لَاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ إِلَهِي إِنْ مَنْ

و کسی که به تو پناهنده شد خوار نیست و کسی که تو بسویش رو کنی بنده دیگری نخواهد بود
خدایا براستی

انْتَهَجَ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَإِنْ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَقَدْ لُدْتُ بِكَ يَا

هرکس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه جوید پناه دارد و من ای خدا به تو پناه آورده ام

إِلَهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ إِلَهِي

پس گمانی را که به رحمتت دارم نومیذ مکن و از مهر خویش منعم مکن خدایا

أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَحَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ إِلَهِي

جای مرا در میان دوستدارانت جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید افزایش دوستیت را دارند خدایا

وَأَلْهِمْنِي وَلَهَاءَ يَذْكُرُكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَهَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ

در دلم انداز شیدایی و شیفتگی ذکر خود را بیای و همتم را در نشاط فیروز شدن اسمائت

وَمَحَلِّ قُدْسِكَ إِلَهِي بِكَ عَلَيَّ إِلَّا الْحَقَنِّي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ

و محل قدست قرار ده خدایا به حق خودت بر خودت سوگند که مرا به محل فرمانبرداریت و جایگاه

وَالْمَتَوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَلَا

شایسته ای از مقام خوشنودیت برسانی زیرا که من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم و

أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ المُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ المُنِيبُ

مالك سودی هم برایش نیستم خدایا من بنده ناتوان گنهگار تو و مملوک زاری و توبه کننده به درگاهت هستم

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

پس مرا در زمره کسانی که روی از آنها گرداندی و غفلتشان مانع از گذشت تو گشته قرارم مده

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَبْرَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بِيضِيَاءَ نَظَرِهَا

خدایا بریدن کاملی از خلق بسوی خود به من عنایت کن و دیده های دلمان را به نور توجهشان

إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ

به سوی خود روشن گردان تا دیده های دل پرده های نور را پاره کند و به مخزن اصلی

الْعَظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ

بزرگی و عظمت برسد و ارواح ما آویخته به عزت مقدست گردد خدایا قرارم ده از کسانی که او را خواندی

نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَلَا حَظَّتْهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتُهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ

و پاسخت داد و در معرض توجه قرارش دادی و او در برابر جلال تو مدهوش گشت و از این رو در پنهانی با او به راز گویی پرداختی ولی

جَهْرًا إِلَهِي لَمْ أَسْلُطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي فَنُوطِ الْأَبَاسِ وَلَا انْقَطَعَ

او آشکارا برایت کار کرد خدایا به خوش بینی من ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به

رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ إِلَهِي إِنْ كَانَتْ أَلْحَطَايَا قَدْ أَسْقَطْتَنِي

کرم نیکویت دارم قطع مکن خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته

لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي يَحْسُنْ نَوَكُلِي عَلَيْكَ إِلَهِي إِنْ حَطَّتَنِي الدُّنُوبُ

پس بدان اعتماد خوبی که به تو دارم از من درگذر خدایا اگر گناهانم

مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ تَبَهَّيْتُ إِلَيْكَ إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي

بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی مقدار ساخته ولی در عوض یقین به بزرگ توجه تو مرا هشیار کرده
خدایا اگر

الْعَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ تَبَهَّيْتُ الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلَائِكَ

بی خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمتهایت مرا
بیدار کرده

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمٍ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ

خدایا اگر بزرگ کیفرت مرا به دوزخ می خواند ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت

جَزِيلُ نَوَائِكَ إِلَهِي فَلَكَ أَسْتَلُّ وَإِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَأَرْعَبُ وَأَسْتُلُّكَ أَنْ

دعوت می کند خدایا پس از تو خواهم و بسوی تو زاری کنم و بگرایم و از تو خواهم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَلَا

درود فرستی بر محمد و آل محمد و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد تواند و

وَيَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنِ شُكْرِكَ وَلَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ إِلَهِي

پیمانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را سبک نشمارند خدایا

وَأَلْحِقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونُ لَكَ عَارِفاً وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفاً

برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذات باشم و از غیر تو روگردان باشم

وَمِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِباً يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلال و بزرگواری و درود خدا بر محمد

رَسُولِهِ وَ إِلَهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً كَثِيراً

پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد